

امروزه نظریه های گیج کننده ی زیادی در باره ی ایمان به خدا رواج پیدا کرده و این باعث شده که شخص حق جو با حکمت بیشتری به آن چه گفته می شود فکر کند تا حقیقت را دریابد. یکی از موضوعاتی که خیلی مورد بحث است نیکویی خدا است. آیا واقعا خدا نیکو است؟ آیا خوبی او مانند بابائوئل است و شامل حال افرادی خاص می شود؟ چطور می شود به نیکویی و خوبی خدا پی برد؟ چطور می شود به نیکویی و خوبی خدا پی برد؟ " نیکویی خدا تا ابد باقی می ماند." (مزمور ۱۵۲:۱) می توان این گونه نیز بیان کرد که نیکویی خدا به کاملیت طبیعت او مربوط می شود و چون خدا نور است پس هیچ ظلمتی در او نیست. (اول یوحنا ۵:۱) در طبیعت خدا چنان کاملیتی وجود دارد که در او هیچ کم و کاستی نیست هیچ نقصی وجود ندارد و نمی شود چیزی به آن اضافه کرد که بهتر شود. او ذاتا نیک و خوب است. هیچ چیز و هیچ کس دیگر این طور نیست که به طور ذاتی و خود به خود نیک و خوب باشد. در واقع تمام مخلوقات خدا به خاطر وابستگی و ارتباط با خدا می توانند خوب و نیک باشند. ولی خدا در اصل و ذات خود نیک است. خوبی مخلوقات در واقع خوبی ای است که خدا به آن ها داده در حالی که در خود وجود خدا نیکویی وجود دارد و این نیکویی بی حد و حصر است. اگر بخواهیم مقایسه کنیم، خوبی ایی که در مخلوق هست مانند قطره ای است در مقایسه با اقیانوسی از نیکی خدا. خدا به طور ابدی و تغییر ناپذیر نیکو است. چون او چیزی به غیر از نیک بودن یا کمتر از نیک بودن نمی تواند باشد. نه فقط خدا عظیم ترین وجود است بلکه بهترین و نیک ترین وجود است. اگر خوبی و نیکی ایی در کسی هست به خاطر این است که خدا این نیکی را قرارداده است. کسی به خدا نیکی ایی نبخشیده است چون این نیکویی خدا جزئی از ذات طبیعی و ابدی خود خدا است. همان طور که خدا از ازل تا ابد قادر مطلق است و این خصوصیت او بود حتی قبل از این که در آفرینش این را به نمایش بگذارد همان طور هم خدا از ازل تا به ابد نیک بوده و هست حتی قبل از این که این نیکی را به گونه های مختلف به ما نشان بدهد. راستی این نیکی و خوبی خدا چقدر است؟ آیا حد و حدودی هم دارد؟ جواب این است که نیکی خدا بی حد و حصر و نامحدود است و خدا در خود چنان منبعی ابدی و فنا ناپذیری از برکات و نیکویی دارد که همه چیز و همه کس را می تواند از نیکی پر سازد. اولین نمایش این نیکی کامل الهی را در حیات بخشیدن به مخلوقات خدا می بینیم. " تو نیک هستی و نیکی می کنی!" (مزمور ۱۱۹:۶۸). هر چه از طرف خدا می آید، اراده اش، خلقتش، فرامینش، تدارکاتش، چیزی جز از خوبی و نیکی خدا نمی تواند باشد. در کلام خدا می خوانیم: "خدا به آن چه آفریده بود نظر کرد و کار آفرینش را از هر نظر عالی دید." (پیدایش ۱:۳۱). بلکه از همان شروع، اولین جایی که خوبی و نیکی خدا را می بینیم در آفرینش هست. و هر چه دقیقتر مخلوقات خدا را بررسی می کنیم و مد نظر قرار می دهیم خوبی و نیکویی خدا را بهتر و مشخص تر می بینیم. وقتی به انسان که اشرف مخلوقات است نگاه کنیم من وشما هم باید مثل مزمور نویس بگوییم: " تو را شکر می کنم که مرا این چنین شگفت انگیز آفریده ای! با تمام وجودم دریافته ام که کارهای تو عظیم و شگفت انگیز است و همه نیکوست." (مزمور ۱۳۹:۱۴).

تمام نکات ساخت و عملکرد بدن ما نمایانگر نیکی خالق ما است. دست های ما متناسب کارهایی که باید انجام دهند ساخته شده است، خدا معین نمود که خواب و استراحت بدن خسته ما را تازه کند و خدا پلک و ابرو را برای محافظت چشمان ما ساخت! ما می توانیم همین طور عضو به عضو پیش برویم و خوبی و نیکی خدا را در خلقت خود بباییم. و این نیکی خدا فقط مختص انسان نیست، بلکه این نیکویی را در بقیه مخلوقات هم می توان دید. " ای خداوند چشمان همه موجودات زنده به تو دوخته شده است تا روزی آن ها را به موقع به آن ها برسانی. دست پربرکت خود را به سوی آن ها دراز کن و نیاز همگان را برآورده ساز." (مزمور ۱۴۵: ۱۵-۱۶) کتاب های بشماره نوشته شده که این حقیقت را به طور واضح تایید می کند که خدا نیکو است و برای خدا فرق نمی کند که این مخلوقات پرندگان هوا هستند، جانوران جنگل یا ماهیان دریا، خدا برای احتیاجات همه مخلوقاتش تدارک دیده است. آیا می شود شک داشت که خدا نیکو است و دنیا از رحمت او پر است؟ (مزمور ۵:۳۳) کافی است با چشم و دل باز به خود و اطراف خود نگاه کنیم و خیلی واضح ببینیم که خدا نیکو است. "بباید و امتحان کنید و ببینید که خداوند نیکو است." (مزمور ۸:۳۵).

دوم ، ما نیکی خدا را در لذات طبیعی مختلفی که برای مخلوقات خودش مهیا نموده است می بینیم . مثلا خدا می توانست نیاز گرسنگی ما را با غذا خوردن رفع کند بدون این که حس چشیدن و لذت بردن از خوردن غذا را به ما بدهد. ولی چه خوب و نیکو ست که خدا طعم های مختلف و بامزه را در انواع گوشت های مختلف و سبزیجات مختلف به ما داده است. خدا نه تنها حس ها و غریزه ها را به ما داده است بلکه خودش هم راه بر طرف کردن نیازهای ما را فراهم کرده است و این نیز نشانه ی دیگری است از نیکویی و خوبی خدا. زندگی جسمانی ما می توانست بدون وجود گل های زیبایی که چشمان ما را با رنگ های زیبای خویش سیراب می کند گذرا باشد و یا بدون عطرهای خوشبویی که مشام ما را تحریک می کند باشد و هم چنین ما می توانستیم در باغ ها قدم بزنیم بدون این که صدای دلنشین پرندگان را بشنویم اما خدا این زیبایی ها و دلربایی ها را به فراوانی به تمام طبیعت داده است چون " خدا به همه خوبی می کند و تمام کارهایش توام با محبت است." (مزمور ۱۴۵:۹). بله خدا نیکو است. ما خوبی و نیکی خدا را هم چنین زمانی می بینیم که انسان از فرمان خدا سرپیچی کرد . خدا تمام غضب خودش را فوراً بر انسان خالی نکرد، با این که این کار عادلانه بود. و خدا بدون مقصر بودن می توانست این کار را انجام دهد. این خیلی عادلانه می بود اگر خدا مخلوقش را از هر برکت و راحتی و لذت به خاطر گناه محروم می کرد ولی خدا به خاطر نیکی و خوبی خود این کار را نکرد بلکه روش نیک رحمت و داوری خودش را برقرار کرد. اگر خوب به این روش خدا نگاه کنیم و همه جوانب آن را بررسی کنیم می بینیم که در نیکی و خوبی خدا همیشه رحمت بر داوری چیره خواهد شد. (یعقوب ۲:۱۳). با این که به خاطر گناه جد ما آدم، شرارت و بدبختی وارد این دنیای خاکی شد اما به خاطر نیکی خدا برکات و نیکویی های خدا والاتر از همه بدی ها است. اگر توجه کرده باشیم می بینیم که جز در موارد استثنایی ، به طور معمول تعداد روزهای سلامتی انسان ها خیلی بیشتر از روزهای مریضی و درد ما است، در جمع این دنیا ، بیشتر شاهد شادی مخلوقات هستیم تا بدبختی آن ها و حتی برای غم و اندوه ما تسکین های فراوانی دیده می شود و خدا چنان توانایی به عقل ما داده که عقل ما خودش را با موقعیت های مختلف سازگار کند و بهترین را در آن موقعیت داشته باشد. موضوع مهم دیگر این است که ما نمی توانیم خوبی و نیکی خدا را به خاطر وجود درد و رنج در این دنیا زیر سوال ببریم. اگر انسان در مقابل نیکی و خوبی خدا از خواسته ها و احکام خدا سرباز می زند و گناه می کند، اگر انسان فراوانی و مهر و بردباری و صبر خدا را ناچیز می شمارد (رومیان ۲:۴) اگر انسان با سخت دلی و بی میلی خود نسبت به توبه ، عقوبت خودش را تا روز ظهور غضب و داوری عادلانه ی خدا پیوسته شدیدتر می سازد (رومیان ۲:۵). آیا خودش مقصر نیست؟ آیا می شود خدا را در مقابل چنین رفتار مخالفانه مقصر دانست؟ آیا واقعا خدا خوب و نیکو می بود اگر کسانی که برکات او را نادیده می گیرند و از خوبی و نیکی او سواستفاده می کنند و رحمت های او را زیر پا لگد مال می سازند بدون مجازات می گذاشت؟ می توانیم بگوییم که او کاملا خوب و نیکو می بود اگر این طور باطغیان ما برخورد می کرد؟ مسلماً خیر. در وجود ما حسی گذاشته شده است که به طور طبیعی برای اجرای عدالت فریاد می زند. وقتی ما در جایی بی عدالتی می بینیم روح ما آزرده خاطر می شود . چقدر بیشتر خدای قدوس و عادل نمی تواند برخلاف میلش عمل کند و آن هایی که نیکی او را نادیده می گیرند بدون کیفر بگذارد. در واقع اصلاً در شان خوبی و نیکی خدا نیست که چنین کسانی بی سزا بمانند. اگر منصفانه نگاه کنیم ، بهترین نمایش نیکی خدا این است که کسانی که قوانین او را می شکنند و یاغی هستند و فرستادگان خدا را مسخره می کنند و عیسای مسیح را که در ذات خدا و از همه به او نزدیکتر است را تحقیر کرده و خوار می شمارند و به کسانی که به او ایمان آورده اند جفا می رسانند از حضور خودش برای ابدیت دور می کند. ما نمونه بسیار عالی خوبی و نیکی خدا را زمانی می بینیم که عیسای مسیح را به این جهان فرستاد. کلام خدا می گوید: خدا وقتی زمان معین فرارسید عیسای مسیح را که از یک زن و در قید شریعت متولد شده بود فرستاد تا آزادی کسانی را که در قید شریعت بودند را فراهم سازد و ما مقام فرزندی خدا را به دست آوریم. (غلاطیان ۴: ۴-۵) و در آن زمان که عیسای مسیح به این دنیای خاکی آمد فوج بزرگی از سپاه آسمانی ظاهر شد که خدا را با حمد و ثنا می سراییدند و می گفتند: خدا را در برترین آسمان ها جلال و بر زمین در بین مردم که مورد پسند او می باشند صلح و سلامتی باد (لوقا ۲: ۱۳-۱۴) . رستگاری انسان ها توسط عیسای مسیح که به خاطر خوبی و نیکی خدا به این جهان فرستاده شد تا جریمه گناهان ما را

بر روی صلیب بدهد فراهم شد. موضوع دیگر این که ما نمی توانیم مهر و شفقت خدا را زیر سوال ببریم اگر خدا اجازه داده بود که همه ما به خاطر گناهان مان هلاک شویم. چون همه ما به خاطر ذات گناه کاری که داریم سزاوار غضب و داوری خدا هستیم ولی خدا را شکر می کنیم که خودش راه رستگاری ما را به وسیله عیسی مسیح فراهم نمود و به همین دلیل طبق کلام خدا: باید از خداوند، به سبب نیکی اش و کارهای بزرگی که در حق انسان انجام داده است تشکر کنیم. (مزمور ۱۰۷: ۸). اما متأسفانه چون خوبی و نیکی خدا مدام به ما نشان داده می شود و ما از این نیکی به طور روزانه و مرتب برخوردار هستیم، حالتی بی تفاوت برای ما به وجود آمده است و ما آن طور که باید و شاید شکرگذار نعمت های او نیستیم. این طور به نظر می آید که ما واقعا فراوانی و نیکی خدا را ناچیز می شماریم (رومیان ۲: ۴). زیرا که ما در صدد این نیستیم که از مهر و نیکی خدا برای راهنمایی دیگران به توبه و به سوی خدا آمدن استفاده کنیم، و برعکس چنین وانمود می کنیم که خدا گناهان ما را همین طوری می بخشد یا با سعی و کوشش انسانی می توانیم گناهان خود را پاک بسازیم. نیکی خدا، پشتوانه ی ایمان شخص خدا پرست است. در واقع این نیکی خدا است که به قلب ایماندار می نشیند و او را همیشه امیدوار نگه می دارد، زیرا در کلام خدا می خواند: "خداوند نیکوست و در روز بلا و سختی پناهگاه می باشد. او از کسانی که به او توکل می کنند مراقبت می نماید." (ناحوم ۷: ۱). ما حتی یک لحظه هم نباید فکر کنیم خدا خوب و نیکو نیست، در هر چیز دیگری که بخواهیم خدا را زیر سوال ببریم، خوب است که با کمال قاطعیت این را بدانیم که خدا نیکو است، اعطای او ممکن است که متنوع باشد اما طبیعت او همیشه ثابت و نیکو است. نیکویی خدا عظیم است و باعث می شود به کسانی که صبورانه از او کمک می طلبند، کمک کند و این مهربانی عظیم اوست که باعث می شود به انسان هایی که به وعده نجات او در عیسای مسیح ایمان می آورند سرنوشت پر جلالی ببخشد.